

از نجات سی و سه پل تا شناسایی قاتلان



محمد رضا کلاهدوزان

علاوه بر روزنامه اطلاعات، هر یک از نشریه‌های اطلاعات نیز مخاطبان خاص خود را داشت؛ مثلاً خانم‌ها از مجله «اطلاعات بانوان» استقبال می‌کردند، خانواده‌ها به مجله «اطلاعات هفتگی» خیلی علاقه‌مند بودند و جوانان به مجله «جوانان امروز» علاقه داشتند.

به نظر شما دلایل محبوبیت روزنامه اطلاعات چه بود؟

مؤسسه اطلاعات با روزنامه و سایر نشریه‌هایش در رشد فکری مردم بسیار مؤثر بود، زیرا با نخبران، دانشجویان و استادان دانشگاه و اندیشمندان ارتباط داشت؛ به نحوی که آنان به دفتر سرپرستی روزنامه اطلاعات در اصفهان می‌آمدند و با برگزاری میزگرد راجع به مسائل اصفهان همچون نداشتن موزه و آلودگی هوا اظهار نظر می‌کردند و گزارش می‌گردید منتشر می‌شد. در حقیقت صاحبان فکر و اندیشه، روزنامه اطلاعات را بهترین محل برای طرح موضوع می‌دانستند و خیلی از دغدغه‌ها با انتشار آنان رفع می‌شد.

روزنامه اطلاعات حامی مردم بود. برای نمونه در دفتر سرپرستی روزنامه برای سینماگران، جوانان، گروه‌های تئاتر و ورزشکاران در رشته‌های مختلف ورزشی، میزگرد برگزار می‌شد و همین کار آنان را تشویق می‌کرد.

امانتدار بودن روزنامه اطلاعات، درست‌نویسی، صحت خبر را فدای سرعت نکردن و اعتماد مردم به این روزنامه سبب شده بود تا بسیاری از مردم، اخبار مهم را قبل از این که به مسئولان اطلاع دهند، به ما اعلام کنند.

عبدالحسین جعفری شاهدانی، خبرنگار پیشکسوت روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۳۳ در اصفهان متولد شد. علاقه او به حرفه روزنامه‌نگاری در دوران تحصیل موجب شد در سال ۱۳۴۱ جذب دفتر سرپرستی روزنامه اطلاعات در اصفهان شود. جعفری طی ۳۷ سال کار در روزنامه اطلاعات، تمام آثار منتشر شده خود را جمع‌آوری کرده و آن‌ها را در قابلهایی به نمایش گذاشته است که کمتر خبرنگاری به این کار اهتمام دارد.

مروری بر آثار روزنامه‌نگاری وی، مردمی بودن و قابل اعتماد بودن روزنامه اطلاعات را نشان می‌دهد و همین موضوع سبب شده است تا این روزنامه از بدو انتشار تاکنون، مورد اقبال و اعتماد عموم مردم و مسئولان قرار بگیرد.

روزنامه اطلاعات بین مردم اصفهان چه جایگاهی داشت؟

روزنامه اطلاعات از همان ابتدا یک روزنامه مردمی بود و به بازتاب مسائل و مشکلات مردم می‌پرداخت تا به حل سریع مشکل آن‌ها کمک کند؛ در واقع انعکاس صدای مردم در روزنامه اطلاعات سبب شده بود تا این روزنامه در اصفهان از اقبال عمومی زیادی برخوردار شود، در حالی که در آن زمان روزنامه‌های دیگری همچون کیهان نیز منتشر می‌شد.

زمانی که خیابان «عبدالرزاق» اصفهان هنوز آسفالت نشده بود و کارگاه‌های بافندگی در آن وجود داشت، یک روز صاحبان کارگاه‌ها از کمبود نخ گلایه داشتند که بلافاصله در این رابطه گزارشی با عنوان «دو هزار بافنده اصفهانی از گرانی نخ گلایه دارند» تهیه کردم که انتشارش باعث شد اختیار توزیع نخ از صاحبان کارخانجات نساجی اصفهان سلب و مشکل کمبود نخ کارگاه‌های بافندگی حل شود.

با ابتکار من در صفحه منطقه‌ای و محلی روزنامه اطلاعات، یک ستون با عنوان «خبرنگار ما در خانه شما» و «اصناف اصفهان در میزگرد اطلاعات» ایجاد شد تا بتوانیم مشکلات مردم و اصناف را مطرح کنیم.

برای تهیه مطلب ستون «خبرنگار ما در خانه شما» همراه با عکاس روزنامه به محله‌های اصفهان می‌رفتم و به تک‌تک خانه‌ها مراجعه می‌کردیم و مشکلات آنان را جویا می‌شدیم، سپس مشکل آن‌ها را به همراه عکس فرد مصاحبه‌شونده در همان ستون منتشر می‌کردیم و جالب این که آن مشکل بلافاصله پس از انتشار روزنامه حل می‌شد.

در ستون «اصناف اصفهان در میزگرد اطلاعات» نیز اتحادیه صنفی، مشکلات خود را به راحتی مطرح می‌کردند و چاپ می‌شد که خیلی در حل مشکل آن‌ها تأثیرگذار بود. برای نمونه در مقابل ساختمان مرکزی شهرداری اصفهان و در مکان فعلی ارگ «جهان‌نما»، کاروانسرای وجود داشت به نام «تجدید» که قرار بود شهرداری آن را تخریب و زمینی را به فضای سبز تبدیل کند. نقره‌سازان و هنرمندان قلمزنی زیادی در آن کاروانسرا کار می‌کردند که هر وقت زمزمه تخلیه آن مطرح می‌شد، به دفتر روزنامه می‌آمدند و تهیه گزارش از گلایه‌های کسبه، تخریب آن کاروانسرا را به تعویق می‌انداخت.

آمار از خوانندگان آن دوره روزنامه اطلاعات در اصفهان دارید؟

در ابتدای دهه چهل، جمعیت شهر اصفهان حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بود و روزنامه اطلاعات در این شهر حدود سه هزار نفر مشترک داشت. در دهه ۵۰ شمار مشترکان آن به پنج هزار نفر افزایش یافت که روزنامه آن‌ها توسط شش موزع در شش مسیر توزیع می‌شد.

در یک فرصت مناسب از او پرسیدم: چرا اجازه دادید یک هنرپیشه هالیوودی در نقش حضرت محمد (ص) ظاهر شود؟ در پاسخ به این پرسش گفت: فتوای منتسب به دانشگاه الازهر دروغ محض و تهیه فیلم از زندگی حضرت محمد (ص) حرام مطلق است.

متن صحبت‌های وی در روزنامه اطلاعات منتشر شد و خبرگزاری‌ها موضع‌گیری رییس دانشگاه الازهر مصر را به نقل از روزنامه اطلاعات به دنیا مخابره کردند. این خبر چنان بازتاب جهانی پیدا کرد که تهیه‌کنندگان فیلم مجبور شدند آن را بدون حضور هنرپیشه در نقش رسول اکرم (ص) تولید کنند.

خبر دیگری که در روزنامه اطلاعات منتشر شد و بازتاب خوبی پیدا کرد، مربوط به مصاحبه با پروفسور «علی جوان»، کاشف لیزر بود که در ۱۵ شهریورماه سال ۱۳۵۰ به چاپ رسید. تا آن زمان استفاده از لیزر، موضوعیت نداشت و خیلی‌ها از این کشف مهم و کاربرد لیزر اطلاعی نداشتند.

در شهریورماه سال ۱۳۵۰ مطلع شدم پروفسور علی جوان، کاشف لیزر و استاد دانشگاه MIT آمریکا برای برگزاری «سمپوزیوم فیزیک کاربرد لیزر» به دانشگاه اصفهان دعوت شده است. پس از کسب اطلاع از اقامت وی در هتل عباسی اصفهان، با ترفندی با پذیرش هتل تماس گرفتم و گفتم تلفن را به اتاق آقای جوان وصل کنید و مسئول پذیرش، تلفن را وصل کرد.

در ابتدا خیرمقدم گفتم و سپس از پروفسور جوان درخواست مصاحبه اختصاصی کردم که وی قبول کرد و گفت در آخرین روز سمپوزیوم فقط با شما گفتگو خواهیم کرد. بعد متوجه شدم مصاحبه با خبرنگار دیگری را نپذیرفته است.

سمپوزیوم فیزیک کاربرد لیزر یک هفته با حضور دانشمندان جهان در اصفهان برگزار شد و پروفسور علی جوان به قول خود برای انجام مصاحبه وفا کرد. پس از پایان آن سمپوزیوم، دست او را گرفتم و وارد محوطه دانشگاه اصفهان شدیم و روی آسفالت آفتاب‌خورده خیابان دانشگاه با هم گفتگو کردیم.

در آن مصاحبه، پروفسور جوان اعلام کرد «لیزر یک کلاه کهنه است» و برگزاری سمپوزیوم به منظور شناسایی کاربردهای مختلف لیزر در حوزه‌های پزشکی، نظامی و... بوده و کاربرد هر یک از آن‌ها را تشریح کرد.

در آن مصاحبه پرسیدم آیا شما کشف‌های دیگری هم داشته‌اید که بخواهید آن‌ها را اعلام کنید؟ در پاسخ گفت: «من کشف‌های دیگری هم داشتم که اگر آن‌ها را اعلام کنم دنیای علم فردا زیر و رو خواهد شد» که متن مصاحبه همراه با عکس وی در روزنامه اطلاعات و مجله اطلاعات هفتگی منتشر شد.

از کارهای دیگر تان هم بگویید.

تا قبل از سال ۱۳۶۷ پل تاریخی «سی و سه پل» محل تردد خودروها بود که در این رابطه گزارشی با عنوان «نگارید سی و سه پل فرو بریزد» تهیه کردم و آن گزارش سبب شد تا ورود وسایل نقلیه موتوری از این پل تاریخی ممنوع شود. این نکته هم جالب‌توجه است که روزنامه اطلاعات، پرده از اسرار پرونده‌های جنایی نیز بر می‌داشت و نمونه آن شناسایی قاتلان آیت‌الله سید ابوالحسن شمس‌آبادی است.

در ۱۸ فروردین ماه سال ۱۳۵۵ آیت‌الله شمس‌آبادی که از روحانیان بنام اصفهان بود، مفقود شد و به قتل رسید و جسد وی را در شهر «درچه» پیدا کردند. در ابتدا هیچ رد و نشانی از قاتل یا قاتلان وجود نداشت ولی پیگیری‌های من برای کسب اخبار مربوط به قتل وی و انعکاس آن در روزنامه اطلاعات و به کارگیری شگردهای خبرنگاری کمک کرد که یک تیم تروریستی ۲۲ نفره که قتل‌های زیادی مرتکب شده بودند شناسایی، دستگیر و محاکمه شوند.

خبر قتل آیت‌الله شمس‌آبادی و شناسایی آن تیم تروریستی در روزنامه انگلیسی‌زبان «تهران ژورنال» و روزنامه فرانسوی‌زبان «ژورنال دو تهران» هم منتشر شد و شناسایی آن تیم تروریستی به چاپ مجموعه کتاب «هدف‌ها» در ۷۸۰ صفحه انجامید.



تأثیرگذارترین اثر شما در این روزنامه چه بوده؟

قبل از شروع ساخت فیلم «محمد رسول الله (ص)»، خبرگزاری‌های خارجی اعلام کردند یک هنرپیشه مصری با مجوز از دانشگاه «الازهر» مصر قرار است در این فیلم، ایفاگر نقش پیامبر (ص) شود.

چند ماه پس از انتشار آن خبر و قبل از این که ساخت فیلم کلید بخورد، رئیس دانشگاه الازهر در آذرماه سال ۱۳۵۱ به اصفهان سفر کرد و ضمن بازدید از دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، به دیدار آیت‌الله ارباب (ص) نیز رفت.